

## حقوق تجارت

خرج و دخل است یعنی وجوه عائده منهای مخارج یا مصارف که یا در نتیجه زد و خورد معاملات تجارنی با در نتیجه ترقی اجناس حاصل میشود در هر صورت تشخیص منفعت طبق اصول کلی اقتصادی و تجارنی بعمل میآید و رسیدگی بتمام محاسبات مدتی که نفع آن مورد احتساب است برای تشخیص آن لازم بنا بر این اگر مثلاً بعضی از اجناس و اموال ترقی نسبت بقیه اولیه خود نموده باشد نمی توان ترقی مزبور را قبل از رسیدگی بکلیه محاسبه شرکت و تشخیص منافع واقعی و عائدات خالص بعنوان نفع بین صاحبان سهام شرکت تقسیم نمود.

بر حسب مستفاد از کلیات و مخصوصاً از ماده ۵۵ قانون تجارت در شرکتهای سهامی رسیدگی بمحاسبات و تهیه صورت حسابها و بیلان و حساب نفع و ضرر از وظایف مدیران است لذا میزان منافع حاصله سالیانه را مدیران شرکت تشخیص و برای رسیدگی بصحت آن تصمیم بمقتضین و مجمع عمومی سالیانه شرکت مینمایند که نسبت بتصمیم منافع اتخاذ تصمیم شود.

پس از اتخاذ تصمیم از طرف شرکت منافع متعلق به سهام دین شرکت بدارندگان سهام محسوب است و تمام مقررات مربوطه بدیون نسبت به دین مزبور جاری است حتی مرور زمان.

مرور زمان معمولاً از تاریخ استحقاق جریان پیدا می کند و قاعدتاً تاریخ تصمیم مجمع عمومی شرکت بر تقسیم منافع که دین از آن تاریخ شروع میشود تاریخ جاری مرور زمان نیز باید محسوب شود ولی نظر باینکه ممکن است مدیران شرکت در نشر تصمیم مجمع عمومی غفلت و تسامح

ضبط سهام متعهد فقط در مورد ماده فوق جایز است چه در واقع ضبط سهام منتج به تقلیل سرمایه شرکت خواهد شد و چنانچه در گذشته ملاحظه شد تقلیل سرمایه محتاج به تشریفات و مقررات خاصی است.

سهامی را که شرکت باستناد ماده ۳۳ ضبط نموده میتواند برای آنکه تغییری در سرمایه شرکت حاصل نشود مجدداً با منظور داشتن تخفیفی نشر دهد ولی تخفیف مزبور نباید باندازه باشد که در مقدار باقی مانده و تأدیه نشده سهام تقلیلی ایجاد کند.

در این جا تذکر این نکته بی مورد نخواهد بود که اگر قیمت اسمی عده از سهام شرکت کاملاً تأدیه نشده باشد و دارنده سهام مزبور نخواهد آن را بلاعوض بخود شرکت واگذار کند (مثلاً شرکت هبه نکند) مانعی ندارد زیرا امر مزبور باعث تقلیل سرمایه شرکت نخواهد شد.

مقررات فوق الذکر مربوط به سهامی است که بهاء آن وجه نقد است چه در مواردیکه بهاء سهام غیر نقدی است بموجب ماده ۳۹ قانون تجارت چیزیکه در آداء سهام غیر نقدی تعهد شده تماماً باید تحویل شود و موردی برای مطالبه بقیه آن پیدا نخواهد شد.

### ج - منافع شرکت

بموجب ماده ۵۷۵ قانون مدنی هر یک از شرکاء بنسب سهم خود در نفع و ضرر سهیم میباشند بنا بر این طبق حکم کلی مزبور هر صاحب سهمی در منافع شرکت سهیم است.

در قانون مدنی و در قانون تجارت تصریحی برای منفعت حیده نمی شود لذا لفظ مزبور تابع تفسیر عرف است.

بطور کلی منفعت تفاوت زائد بین خرید و فروش یا

نمایند و اشخاص از حق خود اطلاعی حاصل نمایند تا در صدد مطالبه آن بر آیند مقتضی است که تاریخ نشر اولین اعلان در جراید یا اولین اخطار بدارندگان سهام را بهر تقدیر که در اساسنامه مقرر شده باشد مبدء مرور زمان دین مزبور حساب کرد.

هر چند پس از تصمیم مجمع عمومی دارندگان سهام مستحق مطالبه منافع اعلام شده میباشند اما قبل از آن در صورتی دارندگان سهام حق مطالبه منافع را از شرکت خواهند داشت که مدیران شرکت بدون عذر موجه یا از نقطه نظر اعراض یا منافع شخصی از اقدام به تشخیص و تصمیم منافع خود داری نموده باشد.

طریقه تقسیم منافع طبق بند ۱۰ از ماده ۳۷ قانون تجارت امری است که باید در اساسنامه مخصوصاً ذکر شود لذا امر مزبور تابع اساسنامه است و اگر احیاناً اساسنامه شرکت بغیر از تناسب تعداد سهام تناسب دیگری مثلاً تناسب مقدار تأدیه شده را ملاک اعتبار در تصمیم منافع قرار داده باشد رعایت آن الزامی و دارنده آن سهام نمیتوانند شرکت را برعایت طریقه دیگری را وادار نمایند.

بطور کلی منفعت بوجه نقد تأدیه می شود ولی گاه ممکن است که اجناس موجوده شرکت نیز بعنوان منافع احتساب و ترتیب و تناسب مقرر در اساسنامه بدارندگان سهام داده شود امر مزبور منع قانونی ندارد.

گاه ممکن است که شرکت های سهامی عرض پرداخت منافع بوجه نقد سهم جابزه صادر کنند و بکیفیتی که در گذشته ملاحظه شد آن را بین دارندگان سهام تقسیم نمایند عمل مزبور تبدیل نفع بسرمایه و تصریح آن در اساسنامه ضروری است.

هر چند عایدات خالص شرکت بعنوان منافع قابل تودیع بین دارندگان سهام است ولی بموجب ماده ۵۷ قانون تجارت همه ساله يك بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی کسر میشود بنا بر این يك بیستم مزبور نیز مادام که سرمایه احتیاطی بعد مقرر در قانون نرسیده

باید از منافع کسر و مازاد قابل تقسیم خواهد بود. با توجه به مندرجات فوق مدیران شرکت باید طبق اصول تجارتي منافع شرکت را دقیقاً معین نمایند که طبق بند ۳ از ماده ۹۲ قانون تجارت کلاه برداره محسوب نشوند چه ماده مزبور مقرر میدارد که اشخاص ذیل کلاه بردار محسوب میشوند . . . . . ۳ - مدیر هائیکه بانبودن صورت دارائی یا باستناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشد.

#### د- شرکاء و حدود مسئولیت آنها

قانون تجارت دارندگان سهام شرکتهای سهامی را « صاحبان سهام » و « شرکاء » محسوب داشته و همیشه تحت یکی از عناوین فوق الذکر آنها اشاره می نماید.

گرچه شرکتهای سهامی در حقیقت مؤسسه تجارتي است که از حیث سازمان داخلی بیشتر جنبه اداری دارد و از این جهت بی مناسبت نخواهد بود از اینکه دارندگان سهام جزء اعضای آن محسوب و باین اسم شناخته شوند ولی نظر باجماع حقوق اعضاء مزبور در مؤسسه اطلاق لفظ شریک بهر يك از دارندگان سهام بی وجه نبوده و با تبعیت از این معنی قانون تجارت نیز لفظ مزبور را قبول کرده است.

شرکاء شرکت سهامی کسانی هستند که قانوناً مالک سهم آن محسوب شوند کیفیت تحصیل سهام مؤثر در مقام نبوده و بهر تقدیر که مالکیت حاصل شود مالک سهام شریک در شرکت سهامی شناخته میشود.

صاحبان سهام یا شرکاء شرکت سهامی بطور کلی به نسبت سهام خود در منافع و مازاد دارائی شرکت در صورت انحلال ذبحق بوده و با رعایت مقررات اساسنامه طبق صریح مادتين ۶۶ - ۶۷ قانون مزبور حق ورود و حق رأی مجامع شرکت خواهند داشت و استثناء بموجب ماده ۷۴ در مجامع عمومی که برای امتداد مدت شرکت یا برای انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا هر نوع تغییر دیگری در اساسنامه تشکیل میشود.